سیاست های پولی چگونه بر بازار فارکس تاثیر می گذارند؟

در مقاله امروز از سری مقالات آموزش فارکس، می خواهیم از تاثیرات سیاست های پولی بانک های مرکزی بر بازار فارکس با شما سخن بگوییم.
همانطور که قبلاً اشاره کردیم، دولت ها و مقامات بانک مرکزی آنها، برای دستیابی به آزادی عمل یا اهداف خاص اقتصادی، سیاست های پولی را تعیین می کنند.

بانک های مرکزی و سیاست های پولی دوشادوش یکدیگر حرکت کرده و ارتباط مستقیمی با هم دارند، بنابراین نمی توان از یکی از آنها صحبت کرد و دیگری را نادیده گرفت.

گرچه برخی از این اختیارات و اهداف در بین بانک های مرکزی جهان بسیار شبیه به هم بوده و مشترک هستند، با این حال هر یک از آنها اهداف خاص خود را داشته که ریشه در اقتصاد های مخصوص به خود دارند.

در هر حال، سیاست های پولی در حفظ و ثبات قیمت ها و رشد اقتصادی خلاصه می شوند.

بانک های مرکزی، برای دستیابی به اهداف خود، عمدتا از سیاست های پولی برای کنترل موارد زیر استفاده می کنند:

- نرخ های بهره مرتبط با هزینه پول
- افزایش تورم
- عرضه پول
- الزامات ذخیره بر روی بانک ها (قسمتی از مانده حساب سپرده گذاران که بانک های تجاری باید به عنوان پول نقد در اختیار داشته باشند)
- و قرض به بانک های تجاری (از طریق دریچه تنزیل)

انواع سیاست های پولی

سیاست های پولی را به چند روش مختلف می توان تعبیر کرد.

سیاست پولی انقباضی زمانی اجرا می شود که سبب ***کاهش*** حجم و اندازه عرضه پول شود. همچنین می تواند با افزایش نرخ بهره نیز انجام گیرد.
فرض در اینجا این است که باید با نرخ بهره بالا رشد اقتصادی را کاهش داد. قرض گرفتن پول سخت تر و پر هزینه تر می شود، که خود باعث کاهش هزینه و سرمایه گذاری توسط مصرف کنندگان و مشاغل می شود.

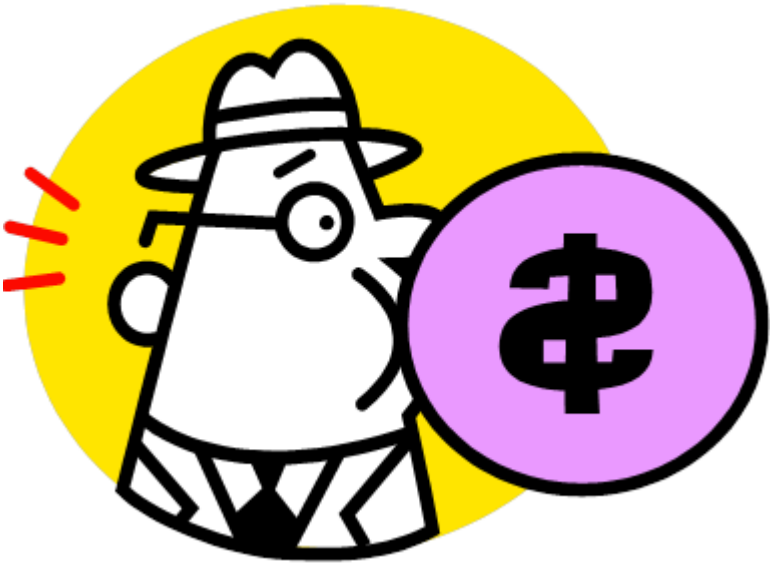

از طرف دیگر، سیاست پولی انبساطی عرضه پول را گسترده تر کرده و یا نرخ بهره را کاهش می دهد.

هزینه قرض گرفتن پول به این امید که هزینه و سرمایه گذاری افزایش می یابد، کاهش می یابد.

سیاست همسازی پولی، با هدف ایجاد رشد اقتصادی از طریق پایین آوردن نرخ بهره صورت می گیرد. این در حالی است که سیاست پولی در حالت کمبود و مضیقه مالی تعیین می شود تا با افزایش نرخ بهره سبب کاهش تورم شده یا رشد اقتصادی را مهار کند.

و سرانجام، سیاست پولی خنثی نه قصد ایجاد رشد را داشته و نه قصد مبارزه با تورم را دارد.

نکته مهمی که باید در مورد تورم به خاطر داشت این است که بانک های مرکزی معمولاً یک هدف تورمی را در ذهن دارند، مثلاً 2٪.

IRTRADER.NET
https://irtrader.net/

ممکن است چنین هدفی علنی نشود و فقط آن را به طور خاص بیان کنند، اما عملکرد و تمرکز سیاست های پولی آنها در جهت رسیدن به این مقدار حاشیه امن است.

آنها می دانند که مقداری تورم چیز بدی نیست، اما تورم افسار گسیخته می تواند اعتماد مردم به اقتصاد، شغل و در نهایت پول را از بین ببرد.

بانک های مرکزی با توجه به داشتن سطح تورم هدف، به فعالان بازار کمک می کنند تا آنها بتوانند درک بهتری از نحوه برخوردِ بانک مرکزی با فضای اقتصادی فعلی داشته باشند.

یک مثال را با هم مرور کنیم.

در ژانویه 2010، تورم انگلیس فقط در یک ماه از 2.9٪ به 3.5٪ رسید. با نرخ تورم هدف 2٪، نرخ 3.5٪ جدید بسیار بالاتر از حاشیه امن بانک انگلیس بود.

مروین کینگ ، فرماندار وقت BOE ، پیگیر گزارش شد و به مردم اطمینان خاطر داد که عوامل موقتی و زودگذر باعث این جهش ناگهانی شده اند و نرخ تورم فعلی بزودی با کوچکترین مداخله BOE سقوط خواهد کرد.
اینکه آیا گفته های وی بعدا معلوم شد درست بوده است یا خیر، موضوع بحث ما نیست.

فقط می خواهیم به شما نشان دهیم که وقتی بازار می داند که چرا بانک مرکزی در رابطه با نرخ بهره هدف خود کاری می کند یا چرا کاری نمی کند، در موقعیت بهتری قرار می گیرد.

به بیان ساده، معامله گران ثبات را دوست دارند.

بانک های مرکزی ثبات را دوست دارند.

IRTRADER.NET
https://irtrader.net/

گودزیلا هم ثبات را ترجیح می دهد.

اقتصاد ها ثبات را دوست دارند. دانستن اینکه اهداف تورمی وجود دارد، به معامله گر کمک می کند تا بتواند درک کند که چرا یک بانک مرکزی دارد فلان کار را انجام می دهد.

دور دور با چرخه های سیاست پولی

برای آن دسته از دوستانی که دلار و اقتصاد امریکا را دنبال می کنند (که باید همه شما چنین باشید!)، چند سال قبل را به یاد می آورید که بانک فدرال ناگهان نرخ بهره را 10 درصد افزایش داد؟

این عجیب ترین چیزی بود که از سوی بانک فدرال آمریکا تا به حال انجام شده بود و دنیای بازارهای مالی آشوب بود!

جان؟! این اتفاق را به خاطر نمی آورید؟

صحبت آن در همه رسانه ها بود.

قیمت های نفت و بنزین به سقف رسیده بودند و شیر هم قیمت طلا شده بود!

پس حتما خواب بوده اید!

اوه صبر کنید، داشتیم سر به سرتان می گذاشتیم!

فقط می خواستیم اطمینان حاصل کنیم که هنوز بیدار هستید. سیاست های پولی هرگز با این شدت و بزرگی تغییر نمی کنند.

IRTRADER.NET
https://irtrader.net/

بیشتر تغییرات در سیاست پولی بصورت تعدیلات افزایشی و کوچک انجام می شود زیرا با وجود بزرگان و اعضای برجسته بانک های مرکزی اگر تغییرات نرخ بهره به طور اساسی تغییر کند، بلبشویی به پا خواهد شد.

حتی تصور چنین اتفاقی نه تنها تریدر خرد بلکه کل اقتصاد را مختل می کند.

به همین دلیل است که تغییر نرخ بهره را معمولا بین 25 صدم تا 1 درصد در یک برهه زمانی می بینیم. باز هم به یاد داشته باشید که بانک های مرکزی خواهان ثبات قیمت هستند، نه شوک و هراس.

بخشی از این ثبات به مقدار زمان لازم برای تحقق این تغییرات نرخ بهره مربوط می شود. ممکن است چندین ماه تا چند سال طول بکشد.

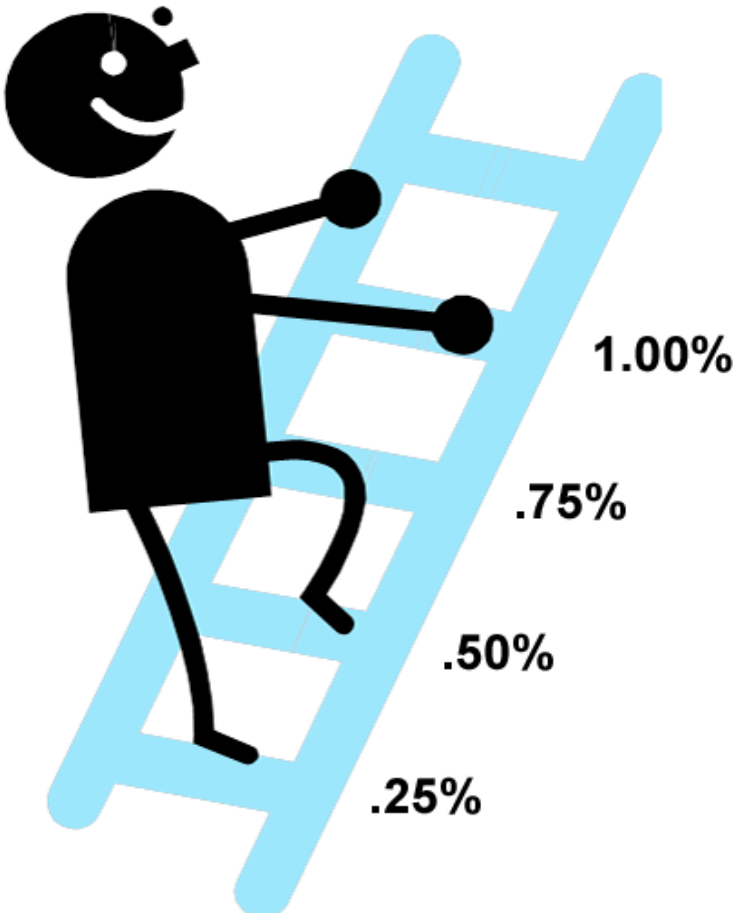

IRTRADER.NET
https://irtrader.net/

درست مانند معامله گران فارکس که برای اقدام بعدی خود داده ها و آمار را جمع آوری و مطالعه می کنند، بانک مرکزی نیز کار مشابهی انجام می دهد، با این تفاوت که باید تمرکز آنها بر کل اقتصاد باشد و فرایند تصمیم گیری خود را با در نظر گرفتن کل اقتصاد انجام دهند، نه فقط یک معامله.

افزایش نرخ بهره می تواند مانند زدن روی ترمز هنگام رانندگی باشد. در حالی که کاهش نرخ بهره می تواند مانند پا گذاشتن روی گاز باشد اما توجه داشته باشید که مصرف کنندگان و مشاغل کمی آهسته تر به این تغییرات واکنش نشان می دهند.

این تاخیر زمانی بین تغییر در سیاست پولی و تأثیر واقعی آن بر اقتصاد می تواند یک تا دو سال طول بکشد.

در زیر ویدیویی کوتاه از صحبت های جرومی پاول، رئیس فدرال رزرو، بانک مرکزی ایالات متحده را با هم می بینیم:

https://youtu.be/3jhKoNCThaA

بنظر شما وی چه نوع سیاست پولی را دنبال می کند؟ انقباضی؟ انبساطی؟ خنثی؟